

بررسی و تحلیل رمان نفرین زمین بر اساس الگوهای تبیین در علوم اجتماعی لیتل

دکتر ابراهیم رنجبر^۱

چکیده

رمان نفرین زمین بیش از این که یک اثر هنری باشد، سندی اجتماعی است. آل احمد در این اثر ارزشمند کوشیده تا تحلیلی اجتماعی از عصر خود ارائه کند و نسبت به وقوع تجدد که از دیدگاه او آفت‌هایی بنیان‌کن در پی دارد، اخطار دهد. بدین جهت این اثر پخته‌ترین اثر داستانی و گلچین افکار اجتماعی او و متضمن یک تئوری اجتماعی است. در این نوشته تئوری منعکس شده در رمان نفرین زمین را با مدل‌های معروف تبیین^۱ در علوم اجتماعی تطبیق می‌دهیم تا هم ارزش اجتماعی و تاریخی نفرین زمین و هم جایگاه بینش اجتماعی این روشنفکر مطرح و صاحب‌قلم که آثارش هنوز هم خواننده و طرف‌دار دارند، در عرصه نظریه‌پردازی اجتماعی بیش از پیش روشن شود. دریافت پایانی ما در این پژوهش آن است که تئوری آل احمد فقط با یک مدل قابل تبیین نیست، بلکه برای تبیین آن باید از چند مدل استفاده کرد. علاوه بر این تمام نظریات او صائب و قابل دفاع نیستند و برخی با ضعف‌های اساسی مواجهند.

کلیدواژه‌ها: نفرین زمین، جلال آل احمد، روشنفکر، تئوری، تبیین.

۱- مقدمه

۱-۱- مبنای نظری تحقیق

طرح^۲ رمان نفرین زمین (تاریخ نشر ۱۳۴۶) درباره زندگی معلمی است که برای تدریس پایه پنجم ابتدایی وارد دهی می‌شود و پس از یک سال تدریس با مقداری خاطره، از ده یا به عبارت دیگر از صحنه داستان، خارج می‌شود. مضمون^۳ داستان نیز نقد اصلاحات ارضی و اظهار نظر در مورد علل و عواقب اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اعتقادی این اقدام است؛ «به قصد گفتن آخرین حرف‌ها درباره

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی ranjbar@uma.ac.ir

آب و زمین و... وابستگی اقتصادی به کمپانی [های غربی]... و ارزیابی دیگری خلاف اعتقاد عوام سیاستمداران و حکومت از قضیه فروش املاک که به اسم اصلاحات ارضی جایش زده‌اند» (آل احمد، ۱۳۵۶: ۵۴).

زمینه این رمان برآیند سه مؤلفه است:

۱-۱-۱- یکی از زمینه‌های این رمان تجارب، تأملات و سفرهای داخلی و خارجی نویسنده است. آل احمد پس از انشعاب از حزب توده (۱۳۲۶) با نشریات اسرائیلی در مورد یک نظام اشتراکی کشاورزی موفق‌تر از کلخوز و اهمیت آب و خاک در تثبیت سیاسی و جغرافیایی مردم آشنا می‌شود. حتی برای آشنایی بیشتر، یک دهه بعد به «ولایت عزرائیل» سفر می‌کند. پس از آشنایی با آن نشریات و به سائقه علاقه ذاتی^۵، به تأمل در مورد روستاهای ایران می‌پردازد. سال ۱۳۳۳ ابراز می‌کند که «هسته اصلی تشکیلات اجتماعی ایران و زمینه اصلی قضاوت درباره تمدن آن دهات است» (۱۳۷۳: ۵). سال ۱۳۳۸ ده را تنها نگهبان فرهنگ و تمدن ایرانی می‌خواند که «فرهنگ و زبانش... روفته از دم جاروب سینما و رادیو و... ماشین گشته» (۱۳۵۷: ۲۹). سال ۱۳۴۱ در کتاب غرب‌زدگی وعده می‌دهد که درباره روستا و فرهنگ و اقتصاد روستایی قصه‌ای بنویسد (۱۳۵۶: ۹۲). سال ۱۳۴۴ می‌گوید: «در این آنارشی‌ای که فعلاً ما داریم... برگشت به آب و خاک لازم‌ترین چیز است»^۶ (۱۳۵۷: ۷۵). با این شواهد نطفه این رمان از سال ۱۳۲۶ به بعد در ذهن آل احمد منعقد می‌شود و بیست سال بعد به بار می‌نشیند.

بر این اساس، نفرین زمین به اعتباری آخرین و پخته‌ترین اثر آل احمد تلقی می‌شود^۷ و چنین می‌نماید که او خود را در جایگاه یک نظریه‌پرداز مسائل اجتماعی می‌نهد و در پی آن است که از طرفی مسائل موجود را در قالب یک تئوری اجتماعی مطرح کند و حتی به آینده با نگاهی پیشگویانه بنگرد و از طرف دیگر برای حل مسائلی که در میان می‌بیند راهی پیشنهاد کند.

نظریه اجتماعی‌ای که آل احمد در این رمان در پی طرح آن است، مربوط به مسأله اصلاحات ارضی و در حکم حلقه‌ای از سلسله نظریات او در مورد غرب‌زدگی است. او معتقد است که اجرای ناقص و نادرست طرح اصلاحات ارضی، موجبات وابستگی اقتصادی به غرب، اتکای اقتصاد ایران به نفت، مهاجرت روستایی به شهر و اشتغال با ماشین ساخت غرب به جای کشاورزی و به تبع آن وابستگی فرهنگی به غرب را فراهم کرده است.

۱-۲- تعهد روشنفکر و روشنفکرستیزی یکی دیگر از زمینه‌های این رمان است. آل‌احمد در نفرین زمین جای خود را در صفوف روشنفکران تعیین می‌کند. ملاک او در رد و قبول روشنفکران، پای‌بندی به خصوصیات فرهنگ و تمدن ایرانی است. او هر یک از قشرهای روشنفکری (اشرافیت، مالکیت ارضی، شهرنشینی تازه‌پا، نظامیان و روحانیت) (آل‌احمد، ۱۳۵۷: ۱۷۱/۱، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۵ و ۹/۲) را به تقصیری متهم می‌کند. چهار قشر اول به این تقصیر متهمند که فرهنگ و تمدن ایرانی را ناچیز می‌شمارند و به اسم خرافه‌ستیزی با آن درمی‌افتند. از این طریق سنن و باورهای فرامنتقی و شاعرانه ایرانی که وجه امتیاز فرهنگ ایرانی است، به تدریج مضمحل می‌شود و فرهنگ اقتصاد کاپیتالیستی غرب، با ارزش ویژه تولید و مصرف در آن، در ایران گسترش می‌یابد و به این بهانه حکومت در ستیز با دین رسمی کشور گستاخ می‌شود. روحانیت نیز به این تقصیر متهم است که حصارگری گرفته و «سلام و صلوات» و اشرافیت خاص خود را نگهداری می‌کند و مردم را به حال خود رها کرده است. بنابراین آل‌احمد خود را تنها می‌یابد و با وجود این می‌خواهد به تنهایی نگهبان فرهنگ و تمدن و استقلال فرهنگی ایران باشد. او فرهنگ ایرانی را در میان دو تیغ مقرض سوسیالیسم و کاپیتالیسم در خطر می‌بیند و روشنفکران را یا ساکت و یا راضی می‌یابد. آن‌ها که به پیش‌گویی‌های مارکس در خصوص لزوم تحقق کاپیتالیسم پیش از تحقق سوسیالیسم در کشورهای عقب‌مانده مانند ایران دل بسته‌اند، آرزو می‌کنند که مردم باورها و اندیشه‌های فرامنتقی و شاعرانه خود را ترک کنند. روشنفکران هوادار پوزیتیویسم (اصالت مذهب سودجویی) فرهنگ اقتصاد کاپیتالیستی غرب تلاش می‌کنند که اقتصاد فئودالیت ایرانی در کمترین زمان متحول شود تا قشرهایی از آنان به نام و نانی برسند. بر این اساس، آل‌احمد در این رمان نیز مانند دیگر آثار خود نگران از بین رفتن جلوه‌های فرهنگ و تمدن ایرانی، معتقدات، ارزش‌ها، عناصر مربوط به عوالم معنوی انسانی و اقتصاد سنتی مبتنی بر زمین‌داری است که بر اثر تسلط ماشین بر فکر و ذهن مردم و بر اثر گسترش زندگی صنعتی، روز به روز بیشتر به سوی اضمحلال می‌روند. او در اصل از پیش‌گویی‌های مارکس بیم دارد و آرزو می‌کند که هیچ یک از سخنان وی در ایران تحقق نیابد و اقتصاد ماشینی جای سنن و ارزش‌ها و عوالم والای انسانی را نگیرد. از تصور وابستگی فرهنگی ایران به غرب به وحشت می‌افتد و با

تحول نظام‌های سنتی موجود در زندگی ایرانیان مخالف است چون هنوز زمینه‌های فکری و فلسفی آن فراهم نشده است.

تصور آل‌احمد این است که عامل سقوط نظام‌های سنتی ایران، نه جبر تاریخ بلکه نظام اقتصادی نوینی است که از غرب به ایران می‌آید. در این نظام اقتصادی نظام‌های سنتی محلی متحول می‌شوند و به دنبال آن تمام عناصر عوالم معنوی انسان از او گرفته می‌شود و انسان به ماشینی بدل می‌شود. نخستین ثمر این نظام اقتصادی گسترش فرهنگ تجارت و شهرنشینی است. تقسیم اراضی و توسعه شهرنشینی لازم و ملزوم یکدیگرند. این پدیده در ایران روند طبیعی خود را طی نمی‌کند. برنامه‌های غرض‌آلود حکومت و دولت‌های خارجی حرکت و توسعه طبیعی مهاجرت از ده به شهر را مضاعف می‌کنند خواه دخالت اولیای کاپیتالیسم غربی باشد و خواه دخالت مبلغان مارکسیسم روسی.

اصلاحات ارضی که در ایران «به منظور تحکیم موقعیت رژیم»^۱ (وثوقی، ۱۳۸۴: ۱۹۰) و رونق بازار مصرف کالاهای غرب به وقوع می‌پیوندد، بر استقلال ایران در تمام عرصه‌ها خطر بزرگی محسوب می‌شود. این پدیده نه تنها سطح درآمد ملی را افزایش نمی‌دهد، از خیل بی‌کاران نمی‌کاهد، آثار مطلوبی را که در جهان بخشیده در ایران نمی‌بخشد و چشم‌اندازی از توسعه بر آن مترتب نیست، بلکه آثار سوء آن به مرور زمان حاصل می‌شود؛ روستاییان را شهرنشین می‌کند، اقتصاد مستقل و نیمه‌جان ملی را به کلی نابود می‌سازد و باورهای مردم را از آنان سلب و موجبات وابستگی در اکثر عرصه‌های مادی و معنوی را فراهم می‌کند. مبدع تقسیم اراضی خواه کاپیتالیسم غرب باشد، خواه توطئه‌های پنهان مبلغان مارکسیسم روسی و خواه حکومت ایران، به هر تقدیر باید از اجرای آن پرهیز کرد. در این مورد او همان قدر که از کاپیتالیسم می‌ترسد، از تحقق تئوری‌های مارکس هراس دارد. با تحقق یافتن اغراض غربیان در ایران، پیش‌گویی‌های مارکس یعنی خالی شدن روستاها به نفع شهرها به وقوع می‌پیوندد که خلاف خواست آل‌احمد است.

۱-۳- رسیدن به جامعه مطلوب، زمینه دیگر این رمان است. آل‌احمد شهروند ایرانی را از هر قید و بندی آزاد می‌خواهد بی آن که به مقتضیات متنوع عصر و امکانات و محدودیت‌های موجود اعتنایی کند. با وجود این هرگز نمی‌تواند تاب بیاورد که قیدها و سامان‌بخشی‌های نظام‌های سنتی اعم از ارزش‌های اعتقادی و اقتصادی و اجتماعی و دیگر ارزش‌های مألوف از پای وابستگان نظام‌های

اجتماعی قدیم باز شود. یعنی باید نظام‌های سنتی و فرهنگ ایرانی را به هر نحو ممکن حفظ کرد تا ایرانی سر در لاک خود بکشد و از فرهنگ و سنت خود سپری در مقابل طوفان تجدد بسازد. یک نمونه ساختار اجتماعی سنتی را از رمان نفرین زمین چنین می‌توان استنباط کرد: جامعه‌ای با معنویات و باورهای متصل به عالم اساطیر و غالباً متصل به حقیقتی نامکشوف و خارج از محدودیت‌های عقل تجربه‌گرا که از استوانه‌های تجدد محسوب است، جامعه سنتی بومی که پیران قوم تنها منابع فکری و عملی و قضایی و تکیه‌گاه فرهنگی به حساب می‌آیند، اقتصاد وابسته به زمین و متکی به قناعت و خرسندی و عزت مقرون به آن. مردم در محل زیست خود محصور محیطند و با شهر و مراکز تجاری جدید و فرهنگ آن ارتباطی ندارند. حداقل مایحتاج خود را تهیه می‌کنند و در فکر کار سودآور نیستند که مستلزم روابط بازرگانی تحفه اقتصاد کاپیتالیستی قرن بیستم است. بلکه با قناعت و خرسندی مقرون به عزت نفس که در ساختار حاکم تولید و مصرف معاصر پایمال می‌شود، صرفاً به برآوردن نیازهای اولیه و اساسی زندگی خود که در حد بدایت خلقت است می‌اندیشند.

آل‌احمد جز این، شیوه زیستی دیگری را پیشنهاد نمی‌کند. نمی‌توان در آثار او تصریح یا قرینه‌ای یافت که مردم ایران را به شیوه‌ای که در چرخه تحولات جهان باید در پیش بگیرند هدایت کند. آیا نمی‌توان به شیوه‌ای اقتصادی اندیشید که مطیع روابط اجتماعی مردمان ایران باشد و ایرانی بتواند به کمک آن حقوق و منزلت و امتیازات انسانی و اجتماعی خود را حفظ کند و کالاهای صنعتی به قدر خدمتی که به این غرض می‌کنند، برای وی ارزش داشته باشند؟ و اصلاً چگونه می‌توان به آن رسید؟ به هر حال او شیوه زیستی که مدون و پاسخ‌گو به نیازهای عصر و مقتضیات زمان باشد در پیش پای ایرانیان نمی‌گذارد جز حفظ سنت‌هایی که به شدت در معرض تهاجم تجدد است. در اصل راه او فلسفه دفاعی دارد نه انگیزه حرکتی.

۱-۲- بیان مسأله

با توجه به آنچه گذشت، این سؤالات در مسیر پژوهش مطرح می‌شوند که در صددیم در حین بحث و بررسی به آن‌ها بدون ترتیب خاصی پاسخ دهیم: آیا آل‌احمد را می‌توان یک نظریه‌پرداز

دانست؟ آیا نظریات او می‌توانند به تئوری‌هایی تعمیم‌پذیر تبدیل شوند؟ چگونه می‌توان نظریات اجتماعی او را تبیین کرد؟ آل‌احمد چه خطراتی را برای آینده ایران پیش‌گویی می‌کند؟

۱-۳- فرضیه‌ها

فرض بر این است که آل‌احمد یک جامعه‌شناس متخصص نیست، بلکه به حکم رسالت روشنفکری در مورد مسائل اجتماعی ایران ابراز عقیده کرده است. او در این رمان در حکم نویسنده‌ای متعهد است که از ظرفیت‌های هنری داستان استفاده می‌کند تا نظریات خود را آسان‌تر و احتمالاً دور از چشم نااهل سانسورچیان بیان کند. همچنین نظریات اجتماعی او تا به حال به تئوری‌های تعمیم‌پذیر بدل نشده‌اند و بعید است که بتوان آن‌ها را کاملاً منطبق بر مدل‌های معروف در تبیین مسائل اجتماعی و دور از ضعف‌های محتمل یافت.

۱-۴- هدف این تحقیق

هدف این نوشته تبیین جایگاه رمان‌نویسین زمین و نویسنده آن از دیدگاه نظریات اجتماعی و تطبیق دادن تئوری اجتماعی او با سه مدل معروف تبیین در علوم اجتماعی است. محک علمی زدن بر نظریات او به معنی کاستن از قدر و مقام وی نیست، بلکه موجب معرفی بیشتر او خواهد بود. غرض از تبیین یک پدیده این است که فلسفه وجودی آن را بر حسب علل یا عوامل یا فواید آن یا معانی موجود در آن یا اهداف پدیدآورندگان آن، در چارچوب یک قانون یا نظم قانون‌مند تعریف و توجیه کنند به شرطی که هم قابل رد و اثبات و هم لایق تعمیم به پدیده‌های مشابه باشد.

۲- بحث و بررسی

به استناد این رمان، آل‌احمد در مقام یک روشنفکر^۹، با ساختارهای اجتماعی‌ای^{۱۰} که از کشورهای غربی به ایران می‌رسند، مخالف است. طلیعه‌های این ساختارها از اواسط حکومت قاجاریه در ایران پیدا شده بود، اما وی با چشم‌پوشی از واقعیات تاریخی، آن را به رفتارهای مغرضانه روشنفکران و حکومت نسبت داده، هر دو را مقصر می‌داند. یکی از تقصیرهای روشنفکران این است که با مخالفت

با سنن فرهنگی و حافظان آن‌ها، یعنی روحانیان، راه را برای ورود این ساختارهای اجتماعی - که اغلب به تجدد تعبیر می‌شود - هموار می‌کنند. آل احمد از میان قشرهای مختلف روشنفکری، رفتارهای حزبی‌ها و مالکان زمین‌های کلان را از بابت کمک به اصلاحات ارضی که آن را شاه‌راه ورود تجدد تلقی کرده، تقبیح می‌کند و در عین حال، حکومت‌ها، خصوصاً ارکان حکومت پهلوی دوم را قوه مرکزی برهم‌زنندگان نظام‌های سستی قلمداد می‌کند. در مقابل آن‌ها از توده مردم رفتار اختیاری ناظر بر مآل‌اندیشی به نمایش نمی‌گذارد. او ضمن در افتادن با عوامل و وسایط مؤثر، در صدد است شرایط مقدم و تمهیدات کافی برای ایجاد تحولات اجتماعی و خودباختگی فرهنگی ایرانی را با فرض وجود نظام‌های قانون‌مند موجود میان پدیده‌های ایجاب‌کننده و مصداق‌های تحول، معرفی و اثبات کند. به نظر او شرایط مقدم، غرب‌زدگی حاکمان و تمهیدات کافی برای ورود ماشین و فرهنگ آن است، اما نمی‌تواند برای رسیدن به مقصود خود شرایط لازم را فراهم کند و فقط به معرفی مراحل تحول در نشان دادن حلقه‌های زنجیره مکانیسم لازم، یعنی علیت و تلازم، بسنده می‌کند.

از منظر او در تحولات ایران که منجر به وابستگی فرهنگی به غرب می‌شود، نوعی مکانیسم علی موجود است بدین تفصیل: غرب‌زدگی حاکمان ← فروش نفت ← ورود ماشین ← مصرف‌زدگی ← عدم تعادل بین شهر و روستا ← مهاجرت روستایی به شهر ← گسترش شهرنشینی ← مغفول ماندن زندگی شاعرانه سستی و اساطیر و دین ← تزلزل فرهنگی مردم ← از دست رفتن استقلال کشور در اغلب عرصه‌های زندگی ← احساس حقارت مردم در مقابل عظمت ماشین.^{۱۱}

این مکانیسم علی شبیه یک داستان با ساختاری استوار است که در آن هر پدیده‌ای پدیده‌های دیگر را در زنجیره علیت به دنبال خود می‌کشد. هر یک از حلقه‌های این زنجیر بر تئوری^{۱۲} ساده‌ای در باب رفتارها و مقتضیات هر حلقه متکی است (مانند رابطه مستقیم فروش نفت و ورود ماشین).

بدیهی است که تحلیل شبکه پیچیده تحولات لاینقطع اجتماعی به این سادگی و سراسستی نیست و نباید علل و عوامل و اعتبارات ناظر بر تحول را، به جای عرصه‌های متنوع زندگی، در افکار و آرمان‌ها و حب و بغض‌های شخصی جست یا در همه تحولات، حکومت یا نفت را علت‌العلل، مردم

را بی‌اختیار و بازیچه و فواید ماشین را نادیده انگاشت چون پیش از غربزدگی حکومت و اهمیت یافتن نفت ایران، ورود ماشین و به تعبیر دیگر تجدد سابقه دارد.^{۱۳}

در اینجا از مباحث مربوط به تجدد چشم می‌پوشیم و صرفاً آرای آل‌احمد را در مورد نتایج آن به تلخیص تمام می‌آوریم: در ایران، مانند غرب، ابعاد وجود انسان و جامعه و تاریخ را در چارچوب عقل مقید در حصار لذات حسی خلاصه می‌کنند، باورهای شاعرانه را با داس تفکر علمی درو می‌کنند و در نتیجه آن دین و عرفان عاطل می‌شود، در پی گسترش زندگی ماشینی و فرهنگ تجاری، نظام اقتصادی فئودالیده به نظام اقتصادی نوین تحول می‌یابد، به دنبال تحولات اقتصادی وابستگی فرهنگی و سیاسی و غربزدگی حکومت با تمام تبعات شومش پیش می‌آید و نظام‌های ضامن استقلال و امنیت کشور به وسیله‌ای برای تأمین اسباب نفوذ بیگانه و سرکوب هر نوع رفتار و حرکت معترض تبدیل می‌شوند. بدین ترتیب تجدد نوعی قطع ارتباط با زبان و فرهنگ و تمدن و تاریخ و سنت و عقاید اسلاف است و در سلوک اجباری راه تجدد، ایران کهن ویران می‌شود تا بنای جدید متناسب با مقتضیات تجدد ساخته شود.

مصادق‌های تجدد یا ماشین در این رمان عبارت از کامیون، تراکتور، مرغداری صنعتی، چاه عمیق، آسیاب موتور، برق، رادیو، چرخ کره‌گیری، تیغ پشم‌چینی، لوازم آرایشی و اعتقاد به بهائیت است که هرکدام به نحوی در کاهش اعتقادات آسمانی مردم، تحول اقتصادی و نظام‌های محلی روستا، مهاجرت روستایی به شهر، وابستگی روستایی به مصنوعات صنعتی و افزایش هزینه‌های زندگی روستایی دخالت دارد.

برای ارزیابی نظریات آل‌احمد، آن‌ها را با سه مدل پرکاربرد تبیین در علوم اجتماعی که دانیل لیتل مطرح کرده است، تطبیق می‌دهیم:

۱-۲- ارزیابی با مدل «تبیین تفسیر معانی پدیده‌ها»

یکی از مدل‌های تبیین در علوم اجتماعی تفسیر معانی پدیده‌هاست. تفسیر یعنی سرچشمه‌های افعال را در اعماق جان و فرهنگ آدمیان جستجو. غرض از معنی هدف و عقلانیت خاصی است که در افعال فاعلان هست. توضیح این که پدیده‌های اجتماعی حاصل کنش آدمیان‌اند. آدمیان فاعلانی هستند

که ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، توانایی‌ها، قابلیت‌ها، محرک‌ها، موانع و عناصری از این قبیل که همه برخاسته از ذات سودجوی مادی و معنوی عاقلانه و مختار انسان است، بر افعالشان حاکمیت دارد. در واقع اصل این است که چون آدمیان بر حسب فهم و نیاز خود عمل می‌کنند، به حکم عقل فردی یا جمعی، در چارچوب اعتقاداتشان، از میان شقوق ممکن، آن بخش را بر می‌گزینند که برای رسیدن به آمالشان بهترین راه ممکن باشد. در این مدل کار تفسیرکننده این است که معلوم کند معنی یا اهمیت افعال اجتماعی برای فاعل چیست. «علوم اجتماعی ناچار باید تفسیری و معنی‌کاو باشند... مقوم اعمال اجتماعی... معنایی است که فاعلان برای اعمال می‌بخشند. در علوم اجتماعی... واقعیتی که از هر گونه معنای خاص فرهنگی عاری و فارغ باشد [نیست]... تحلیل مقنع پدیده‌ای... وقتی به دست می‌آید که معلوم شود در آن فرهنگ فاعلان برای افعال و پیوندهای اجتماعی خود چه معنایی قایلند» (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۱۵-۱۱۴). عالم علم‌الاجتماع باید در تبیین پدیده‌ها به عاقلانه و مختار بودن کار فاعلان توجه کند. در واقع تحولات اجتماعی محصول نیندیشیده‌ی استراتژی‌های سنجیده‌ای است که فاعلان صاحب عقل و اراده یا عقل جمعی در پیش می‌گیرند.

آل‌احمد گاهی اختیار فاعلان و معانی رفتارهای جمعی را نادیده می‌گیرد؛ مثلاً به نظر او از تأثیر توأمان غریب‌دگی حکومت و فروش نفت، ماشین (مظاهر صنعت و تمدن غرب) وارد ایران می‌شود و بر اثر آن مردم در معرض تحولاتی همچون اشتغال با ماشین به جای ابزارهای سنتی، باختن باورهای سنتی و گسترش شهرنشینی که حاصل همه وابستگی فرهنگی است قرار می‌گیرند. در این استنتاج معنی پدیده‌ها و اختیار مردم مغفول مانده است. انتخاب ماشین در اصل حاصل جمع انتخاب ایرانیانی است که بر اساس محاسبات عقلانی عمل می‌کنند. اگر توجه خود را به ظاهر این انتخاب منحصر کنیم و از ورود در اعماق اختیارات و اعتبارات و معانی موجود در آن بپرهیزیم تا مطابق پیش‌فرض‌های خود نظریه‌ای ارائه کنیم، بسیار محتمل است که از واقعیات دور بمانیم. در این انتخاب زمانی حکومت مقصر است که ایرانی در طول تاریخ با ماشین آشنایی داشته باشد ولی آن را انتخاب نکنند و حکومت به زور یا به نیرنگ مردم را به پذیرش آن وادار کند، حال آن که چنین نیست.

از حس کنجکاو و سودجویی مردم نباید غفلت کرد. وقتی مردم با امکانات و پدیده‌های جدید مواجه شوند، دنبال رخصت‌ها و فرصت‌هایی می‌گردند که از آن‌ها سود ببرند. از قبل این انتخاب

تحول ایجاد می‌شود. تحول لاینقطع از ذاتیات جامعه است و در هر تحولی غربال‌گری عمومی صورت می‌گیرد و پدیده‌هایی که در بهبود رفاه اجتماعی تأثیر کمتری دارند، جای خود را به پدیده‌های سودمندتر می‌دهند. در این گزینش‌های محسوس و نامحسوس باید برای معانی مکتوم در پدیده‌ها و رفتارهای فاعلان اجتماعی اعتبار قایل بود و نباید به توصیف قشر ظاهری تحولات و کمیت‌های جابه‌جا شده در تحولات اجتماعی قناعت کرد. البته در این مورد باید به مقتضیات محیط نیز اهمیت داد؛ مثلاً انسان‌های عاقلی که در جامعه دهقانی سستی زندگی می‌کنند، ممکن است تحولات محیطی و رفتارشان با کسانی که در جوامع نوین صنعتی زندگی می‌کنند متفاوت باشد. این تفاوت ممکن است معلول تفاوت در خصال فردی یا اراده عاقلانه نباشد بلکه معلول تفاوت‌های مهمی باشد که در محیط و زمینه انتخاب آنان هست. لذا نباید آنان را متهم به غفلت و کاهلی کرد و به جای آنان تصمیم گرفت. رسالت روشنفکر در این گونه موارد روشنگری است نه اتخاذ تصمیم. هر کس که قصد ورود به تبیین پدیده‌ها را داشته باشد، نباید از معانی پدیده‌ها غفلت بورزد. تبیینی قانع‌کننده است که تفسیر معانی افعال فاعل را هم در برگیرد.

معانی فعل جمعی را در پدیده مهاجرت مردم روستاها به شهرها نمی‌توان در علت یا انگیزه خاصی محدود کرد. به حکم منطق تفاوت‌های فردی، به تعداد مهاجران می‌توان در رفتارها در پی معنا بود. در این مورد نمی‌توان بدون توسل به استقصای استقرایی دلیل قابل اعتمادی ذکر کرد. آل‌احمد تمام علت‌ها را در مسائل اقتصادی خلاصه کرده است و این خالی از خلل نیست.

۲-۲- ارزیابی با مدل «تبیین خدمتی»

یکی دیگر از مدل‌های تبیین پدیده‌ها «تبیین خدمتی» است. «تبیین‌های خدمتی شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای سودمندی که برای نظام بزرگ‌تر اجتماعی دارند، تبیین می‌کنند... تبیین خدمتی هر پدیده تبیینی است که علت (مبیین) را در دل نظامی متفاعل می‌نشانند که خود در حال تعادلی دینامیک یا تحولی کنترل شده است و حضور هر جنبه یا عنصر را بر حسب اثر سودمندی که برای کل نظام دارد، تبیین می‌کند... هدفش این است که نشان دهد فلان عامل^{۱۴} در کل نظام اجتماعی یا فرهنگی چه نقشی بازی می‌کند» (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۵۲-۱۵۱ و ۱۵۶).

آل احمد تأثیر برخی پدیده‌ها مانند تراکتور یا برق یا سد را نه در دل یک نظام بزرگ، بلکه در بخش بسیار کوچکی از نظام بزرگ، فارغ از تعامل با دیگر بخش‌ها و در طول زمان‌ها، بررسی کرده، تمامی آن‌ها را به حال ایرانی سخت مضر ارزیابی می‌کند. ظاهراً نمی‌خواهد توجه کند که هر یک از پدیده‌های وارداتی یا تحولات اجتماعی برای کل نظام اجتماعی ایران چه پیامدهای اقتصادی یا فرهنگی‌ای در پیش دارد. مثلاً هرگز در صدد آن نیست که به پیامدهای اقتصادی سد در کل نظام اجتماعی ایران اعم از ذخیره آب و تولید برق و... عنایتی معنی‌دار و منصفانه داشته باشد، حال آن که منافع سد در جهان قابل کتمان نیست. در این گونه موارد عاقبت‌اندیشی و همه‌جانبه‌نگری و پرهیز از جزم‌اندیشی‌ها و عنادهای جهت‌دار ایجاب می‌کند که کل نظام اجتماعی یک‌پارچه مانند یک سیستم فعال دینامیکی دیده شود که اجزای تابع و مؤلفه‌های نظام‌مند آن نقشی مفید و خدمت‌گزارانه ایفا می‌کنند. باید یکی از اهداف تئوری‌پرداز مطالعات اجتماعی تبیین خدمت خاص هر تابع در دل کل سیستم اجتماعی در طول زمان و در تفاعل و تعامل با دیگر اجزا باشد.

لازم است یادآوری شود که اگر پدیده‌ای اثر سودمندی در دل نظام بزرگ اجتماع نداشته باشد و به حرکت دینامیکی کل اجتماع کمکی نکند، از اساس به وجود نمی‌آید و اگر در گوشه‌ای از جهان به وجود آمد، نمی‌تواند وارد جوامع دیگر شود و یا اگر وارد شد، نمی‌تواند بقای خود را به مدتی طولانی حفظ کند. از این که مصنوعات یا دانش‌های صنعتی غرب وارد ایران می‌شوند، صرف نظر از برنامه‌های حکومت و فروش نفت و ملازمه معکوس آن، یعنی خرید ماشین، باید به مقتضیات زمینه‌های اجتماعی جامعه نیز نظری کرد و به اختیار عاقلانه مردم نیز اعتباری داد. در این گونه موارد اصل بدیهی انتخاب نامحسوس را نباید فراموش کرد. انتخاب نامحسوس، پدیده‌هایی را که کمک بیشتر به تحول هدف‌مند جامعه می‌کنند، به جای پدیده‌های به نسبت ضعیف از بابت سودمندی، وارد جریان زندگی می‌کند. در اینجا دو مکانیسم قابل ملاحظه است که هر دو بر انتخاب آگاهانه جمعی متکی هستند: اول این که مردم فارغ از اهداف حکومت، منافع یک پدیده را می‌دانند و به دنبال آن می‌روند و همین امر موجب رواج و دوام آن در جامعه می‌شود و دوم این که گاهی مسئولان برنامه‌ریزی‌های کلان سیستم بزرگ اجتماعی پیش از مردم به فواید پدیده‌های جدید وقوف دارند و مایلند که با ترویج آن‌ها به رونق نظام کلان اجتماعی و تحول آن یاری برسانند. این نکته را نیز باید

افزود که مظاهر صنعت مانند سد و تراکتور و برق و... را کسانی ساخته‌اند که غرب‌زده یا عاری از دین و فرهنگ و تمدن نیستند و این ابداعات را به اقتضای جبر زمان و نیازهای اجتماعی کرده‌اند و این اقتضانات صرفاً دست به گریبان ایشان نیست بلکه مربوط به نوع انسان است. آل‌احمد به انتخاب مردم اعتباری نمی‌دهد و نوک پیکان طعن خود را متوجه برنامه‌های حکومت کرده، آن را خدمت‌گزار اهداف اقتصادی بیگانه معرفی می‌کند، حال آن که مثلاً برق را نه یک سیاست‌مدار بلکه یک عالم غیر سیاسی و صرفاً با هدف بشردوستانه اختراع کرده است.

۲-۳- ارزیابی با مدل «تبیین علی»

مدل سوم، تبیین علی پدیده است. تبیین علی پدیده به اعتبار علل و عوامل ایجاد کننده آن صورت می‌گیرد. در بررسی روابط پدیده‌ها با تبیین علی (نظم علی) حوادث به شرطی با یکدیگر پیوند دارند که قوانینی علی، علت^{۱۵} را به معلول ربط دهند که به احتمال زیاد پای حوادث زیادی را به میان خواهند کشاند. برای مبرهن کردن ربط علی آن حوادث باید از مکانیسم علی^{۱۶} ربط‌دهنده آن‌ها پرده برداریم. گاهی رابطه پدیده‌ها بر اثر مکانیسم علی مستقیم (بی‌واسطه) است؛ یعنی پدیده‌ای علت مستقیم پدیده‌ای دیگر است و گاهی این رابطه بر اثر مکانیسم علی غیر مستقیم (باواسطه) صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر دو پدیده منبعث از شرط دیگری است. اگر نظریات کسی مبتنی بر روش خاصی باشد، او را باید قانون‌گرا نامید.

یکی از روش‌های مطالعه علی پدیده‌های اجتماعی اقدام به روش استقراست و منظور از آن رسیدن به تئوری قابل تعمیم از طریق استقضا در نمونه‌هاست. در این روش اختیار فاعلان و معانی پدیده‌ها فراموش می‌شود. روش کسانی مانند «مارکس و استیوارت میل» (لیتل، ۱۳۷۳: هفده) که معانی امور و افعال و پدیده‌ها و اختیار فاعلان را فراموشی نهند، شبیه روش کسانی است که در طبیعت مطالعه می‌کنند. آل‌احمد نیز مانند مارکس در تبیین افعال به جای این که از درون فاعلان خبر دهد، از علل، آن هم از دید اقتصادی، خبر می‌دهد؛ مثلاً آدمیان را همچون لوازم جانبی می‌بیند که به نیروی کور ماشین، مطابق شرایط آن متحول می‌شوند. او تحولات را بی آن که با توجه به تجارب ملل دیگر تبیین کند، به مقیاس تئوری برخاسته از این جهان‌نگری تبیین می‌کند.

غالباً نمی‌توان در نظریات اجتماعی آل‌احمد نظم استقرایی یافت. او گاهی با اتکا به یک نمونه در یک مقطع زمانی، ربط علی دو پدیده را به تمام زمان‌ها و مکان‌ها تعمیم می‌دهد. مثلاً اگر تراکتور در یک ده موجب نزاع روستاییان شده است، این رابطه منحصر به فرد علی را به تمام روستاها و به تمام زمان‌ها و مکان‌ها تعمیم داده، پیش‌بینی می‌کند که ورود تراکتور موجب تشنج روستا و مستلزم دخالت نظامی حکومت و غلبه آن بر ملت خواهد بود.^{۱۷} پس باید راه ورود تراکتور را بست و نگهبان ابزار سستی شد. این گونه تئوری‌پردازی او را نمی‌توان به عنوان تبیین‌های استقرایی پذیرفت.^{۱۸}

بنابراین در روابطی که آل‌احمد میان علل و معلول‌ها ذکر می‌کند نمی‌توان نظمی قانع‌کننده یا قانون استقرا یا مکانیسم علی یافت. او احتمالات و ملازمات و تقارنات را به جای روابط علی می‌گذارد و بر همین مبنا رأی صادر می‌کند. مثلاً فرض کنیم معلوم شود که بیشتر روستاهایی که پای ماشین به آن‌ها رسیده، مهاجر به شهر می‌فرستند؛ یعنی نوعی تلازم و تقارن میان ورود ماشین به ده و خروج روستایی از ده کشف شود. حال اگر تلازمی میان تقسیم اراضی و مهاجرت روستایی به شهر یافته شود، لاجرم تلازمی میان گسترش شهرنشینی و تقسیم اراضی یافته خواهد شد. اما نمی‌توان گفت که شهرنشینی لزوماً علت تقسیم اراضی است. در سخنان آل‌احمد، وجود مکانیسم علی که علت نخست را به معلول نهایی (نه هدف غایی) پیوندد و مفهوم تلازم میان متغیرهای مورد نظر او و مفهوم شرط لازم یا کافی بودن ورود ماشین برای تحول فرهنگی، به آسانی قابل اثبات نیست؛ یعنی ادعای او به روش قیاسی، جای کشف مکانیسم علیت‌های قابل اثبات به روش استقرایی را گرفته است.

به نظر او رابطه فروش نفت و ورود ماشین مصداق مکانیسم علی مستقیم (اولی علت دومی) است و رابطه غرب‌زدگی حاکمان با آن دو نیز مصداق مکانیسم علی غیر مستقیم است؛ یعنی غرب‌زدگی حکومت علت مستقیم آن دو پدیده نیست بلکه شرط آن دو است. بدین جهت دو پدیده غرب‌زدگی حکومت و فروش نفت در مکانیسم علی منتج به تزلزل فرهنگی، جای هم می‌نشینند. یعنی معلوم نیست که از این دو پدیده کدام علت و کدام معلول است، اما به هر تقدیر ورود ماشین از ملازمات معلول است. گاهی ماشین علت تحول فرهنگی محسوب نمی‌شود بلکه باید شرط لازم و کافی برای آن تلقی شود. آل‌احمد از علت‌ها و معلول‌ها سخن می‌گوید اما از نظم قانون‌وار و از مکانیسم علی ربط‌دهنده حوادث پرده‌برداری نمی‌کند. مثلاً ماشین را عامل مهاجرت روستایی و شهرنشینی را علت

تزلزل فرهنگی معرفی می‌کند اما معلوم نمی‌کند که چرا ماشین فقط در ایران آفت محسوب می‌شود. او از علل تحولات فرهنگی که در نظرش منتج به ورشکستگی فرهنگی است، فقط ماشین و شرایط حاصل از مقتضیات آن را می‌بیند اما از محیط ایران پیش از ورود ماشین و اقتضائات جهانی چشم می‌پوشد و تحولات به وجود آمده در جهان و فقر و زمینه‌های پرثبات فرهنگ عامیانه را در ایران نادیده می‌انگارد.

در واقع ماشین در کنار فقر و جبر تاریخ شرط مهیا کننده تحولات فرهنگی ایران است. لذا ماشین به تنهایی نه شرط کافی تحولات فرهنگی است و نه شرط لازم آن؛ زیرا شرط دیگری می‌تواند قایم مقام آن باشد حتی اگر حاکمان ایران غرب‌زده نباشند و نفت نفروشدند و ماشین وارد نکنند و به سبک غربیان سد نسازند و... چنان که در ایران پیش از فروش نفت و در کشورهای بدون نفت و بدون حاکمان غرب‌زده می‌بینیم.^{۱۹} در ایران آن روز فقر عاملی است خفته و زمینه بسیاری از تحرکات محتمل، و تجدد عاملی است که مردم را بر فقر خود، آگاه می‌کند و چشم اندازه‌های دیگر را نشان می‌دهد. این دو با تعامل لازم، شرط لازم وقوع پدیده تحولات در فرهنگ و سنت‌اند.

شرط کافی این تحولات عبارت است از ترکیبی از فقر و طلب تجدد که چشم‌انداز رفاه در آن هست و تحریکات سیاسی و اجتماعی و نارضایتی روشنفکران. تجددطلبی تحولی اجتماعی است که زنجیره‌ای از تحولات را در پی دارد. مثلاً ساختار سنتی جامعه به هم می‌خورد، از تأثیر خانواده و اعتقادات مألوف کاسته می‌شود، مهاجرت از ده به شهر توسعه می‌یابد، مردم شهر روابط حاکم بر بازار را می‌پذیرند، قیودی که اعتقادات و باورهای فرهنگی بر رفتار مردم می‌نهند سست می‌شوند و... بدیهی است که این تحولات منحصر به ایران که صاحب نفت است نیست.^{۲۰} پس نفت نمی‌تواند علت‌العلل این همه تحولات باشد و هر یک از این تغییرات را باید در چارچوب مکانیسم علی، با قوانین حاکم بر پدید آمدنشان همراه کنیم تا بتوانیم به استنتاجی منطقی برسیم.

نتیجه‌گیری

رمان نعرین زمین مهم‌ترین اثر داستانی آل‌احمد است که در آن مسائل مهم عصر خود از جمله اصلاحات ارضی را مطرح کرده است. اگرچه نظریات اجتماعی او در این رمان با هیچ کدام از

مدل‌های تبیین در علوم اجتماعی تطابق کامل ندارد، در تطبیق با سه مدل «علت‌کاوی»، «معنی‌کاوی» و «تبیین خدمتی» نقد آن آسان‌تر و روش‌مندتر است. بر این اساس به جرأت می‌توان گفت که نمی‌توان او را در ردیف علمای علم الاجتماع نشان داد که بتوانند شیوه معیشتی علمی و قانع‌کننده‌ای را برای مردم یک کشور پیشنهاد کنند.

وی به چند دلیل در تبیین پدیده‌ها و احراز مقدمات پیش‌گویی‌های کلان ناموفق است: نخست این که در دانش اجتماعی استقصای لازم را ندارد و در عین حال از هر گونه نظم قانون‌وار که قلم را با محدودیت‌هایی مواجه می‌کند، گریزان است؛ حال آن که بدون تبعیت از نظم قانون‌وار نمی‌توان به تبیین و تحلیلی قابل تعمیم و معتبر رسید. دیگر این که از منظر بیرونی به تاریخ و وقایع آن می‌نگرد و عقاید و آرزوهای خود را بر واقعیات تحمیل می‌کند و بسیاری از علل و عوامل و اختیارات و اعتبارات موجود در پدیده‌ها و رفتارهای جمعی را نادیده می‌گیرد. مفاهیم آثار او اغلب مجرد و کل شخصیت‌های آثارش نمادین‌اند. بدین جهت کمتر صحنه یا شخصیت یا رفتاری می‌توان در آن یافت که تاریخی و جزئی و مقطعی و قابل استناد به فردانیت کسی یا چیزی باشد. اگر هم بتوان سیمایی از واقعیت را در شخصیت‌های آن منعکس شده یافت، آن شخصیت بیش از آن که نماینده خود باشد، نماینده تپ یا قشری است که خود فرد برجسته‌ای از آن به شمار می‌آید. در تحلیل آل‌احمد از وقایع، فکر نزاع اقتصاد ماشینی با معنویات سنتی ایران او را به حال خود رها نمی‌کند و نگاه تئوریک قیاسی را به جای بررسی‌های استقرایی به کار می‌گیرد.

علاوه بر این‌ها نگاه تئوریک آل‌احمد به پدیده‌های اجتماعی ایران بیش از هر چیز تابع عناد او با حکومت است. یکی از علل خصومت آشتی‌ناپذیر او با حکومت، فدا کردن معناکاوی در پای علت‌کاوی پدیده‌هاست که به قلب واقعیت منجر می‌شود. او به معانی و اهداف متفاوت در کنش‌ها و زندگی مردم مناطق مختلف ایران بی‌اعتناست و به جای این که احوال و اوصاف بیرونی را بر حسب معانی درونی و اهداف مکتوم تبیین کند، با بی‌اعتنایی تمام به معانی درونی، نظریات خود را بر ظاهر و باطن پدیده‌ها تحمیل می‌کند. آل‌احمد به جای توجه به معانی و دلایل اعتباری و متفاوت در پدیده‌های متعدد، همه پدیده‌ها را شبیه هم و تابع یک محرک معرفی می‌کند و دلایل تمامی آن‌ها را در

برنامه‌های اجتماعی و سیاسی حکومت می‌جوید. دلیل این بی‌اعتنایی آن است که اغراض حکومت را منشأ تمام تحولات و تمام تحولات را برای ایرانی مضر قلمداد کند.

یادداشت‌ها

۱- تبیین در این جا معادل explanation است.

۲- طرح در این جا مترادف Plot است.

۳- مضمون در اینجا مترادف Theme است.

۴- مخالفت با حزب توده و جستن نظامی در کشاورزی که برتر از کلخوز باشد، تجارب جهانی در مورد تقابل اقتصاد کشاورزی با اقتصاد صنعتی و تجاری، موفقیت «کیوتس» (Keybouts) در حکومت نوبنیاد صهیونیستی که یهودیان سرگردان را با آب و خاک سکون داده بودند و وقوع اصلاحات ارضی در ایران که چشم‌انداز آن توسعه اقتصاد تجاری غرب در ایران و وابستگی فرهنگی ایرانی و تحکیم پایه‌های حکومتی است که وی با آن مخالف است؛ این‌ها عوامل دیگری بودند که در تحریض آل‌احمد به نگارش این رمان نقش داشته‌اند.

۵- نمونه روستانگاری او /اورازان (۱۳۳۳) است. علاقه و تجربه وی در مورد روستانگاری موجب شد که «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» (آل‌احمد، ۱۳۸۴: ۲۳) مقدمه به قلم شمس آل‌احمد) از او خواست که به روستاهای ایران برود و درباره فرهنگ روستایی تحقیق کند. بدین ترتیب آشنایی آل‌احمد با روستا هم افزون‌تر شد و هم صورت رسمی به خود گرفت.

۶- با این همه، تجربه سلب مالکیت از کشاورزان در انگلستان قرن شانزده در پیش روی اوست که طی آن روستاها خالی و شهرها پر از جمعیت شدند و پیش‌گویی‌های مارکس تحقق یافت (در این مورد رک: لیتل، ۱۳۷۳: ۲۲۱).

۷- مضامین نفرین زمین در کتاب غرب‌زدگی سابقه دارد: «جبر مصرف ماشین شهرنشینی می‌آورد و شهرنشینی... دنباله‌ای است از کنده شدن از زمین... و این است نخستین تضادی که حاصل غرب‌زدگی ماست» (۱۳۵۶: ۹۵). پس لازم به نظر می‌رسد که پس از بحث در طرح‌ها و تئوری‌های ناظر بر لزوم اسکان روستایی در روستا، آن را در قالب داستانی نیز بیان کند تا در جهان هنر عواطف و اندیشه‌ها را با خود موافق و همدستان سازد.

۸- اگر چنین غرضی در این ماجرا بوده است، نباید آن را کلّ علت دانست. زیرا هم‌زمان با وقوع اصلاحات ارضی در ایران، با کمابیش فاصله‌های زمانی، در اکثر کشورهای جهان این برنامه به اجرا در می‌آمد و

ایران هم یکی از آن‌ها بود. این همه از تحولات اجتناب‌ناپذیر جهان و از مقتضیات محیط و زمان است. آل‌احمد نه تنها دو عامل تحکیم پایه‌های حکومت و رونق بخشیدن به بازار مصرف مصنوعات غربی را کل علت اجرای برنامه اصلاحات ارضی قلمداد می‌کند، بلکه تمامی تجارب جهانی را نادیده می‌گیرد.

۹- روشنفکری به سبب تنوع تعهدها و جوامع، اوصاف متنوع دارد. با وجود این در میان اوصاف آن قربت‌هایی هست. از جمله این قربت‌ها ناآرامی دایمی روشنفکر، دخالت بی‌انقطاع او در سیاست، توجه دایمی به واقعیات معقول (دوری از باورهای عامیانه)، ناسازگاری با مراکز قدرت و ترحم به عموم مردم جهان است. روشنفکر مورد نظر او صاحب قلمی **انقلابی** و فارغ از **تعبد** و **تعصب** است که پیوسته کار فکری می‌کند. حاصل کارش که ناظر بر عزت و آزادی و آگاهی و رفاه و آسایش توده است، از هر گونه شائبه قصد جلب نام و نان و امتیاز مادی دور است (۱۳۵۷: ۳۷/۱ و ۱۶۹-۱۶۸). به دلیل ناسازگاری دایمی روشنفکر با نظام‌های تنفیذ قدرت و دیگر اوصافی از این قبیل، ادوارد سعید این قشر اجتماعی را «روح مخالف» جوامع می‌نامد (سعید، ۱۹۹۴: XV). **بندا** نیز در این مورد با او هم عقیده است (بندا، ۱۹۶۹: ۴۳، نیز رک: خویی، ۱۳۵۷: ۲۹-۲۸).

۱۰- «ساختارهای اجتماعی نظام‌هایی بادوام و سامان‌بخش هستند که با تعیین فراخاها و تنگناها هدایت‌گر و محدودکننده یا الهام‌بخش رفتار آدمیان‌اند» (لیتل، ۱۳۳۳: ۱۶۸).

۱۱- میان حکومت غرب‌زده و فروش نفت پیکان دو طرفه است. یعنی معلوم نکرده است که حکومت غرب‌زده ناگزیر است که نفت را بفروشد یا وجود نفت در ایران و متعاقب آن دخالت‌های بیگانگان ایجاب کرده است که حکومت غرب‌زده بر سر کار آید. این دو می‌توانند جای همدیگر بنشینند.

۱۲- غرض از تئوری در اینجا «مجموعه‌ای از روابط بین متغیرهاست که یک پدیده را توصیف، تبیین، پیش‌بینی یا کنترل می‌کند» (دانایی فرد، ۱۳۸۸: ۴).

۱۳- غرض آل‌احمد از ماشین صرفاً دستگاهی نیست که طبق تعریف فیزیکی آن، کاری را برای انسان آسان کند، بلکه غرض او همان است که پیش از او به تجدد (Modernity) معروف بود. در اینجا غرض از تجدد هر رفتار یا شیء یا امر یا عنصر مادی یا صنعتی یا فرهنگی یا مدنی است که از ممالک صنعتی به ایران می‌آید خواه در ایران مشابه و معادل نداشته باشد و نو تلقی شود و خواه مشابه و معادل داشته باشد و عرصه را بر آن تنگ کند. در اینجا از ذکر سوابق تجدد چشم می‌پوشیم. علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب‌های متعدد از جمله آجودانی، ۱۳۸۳، خصوصاً صص ۳۷ و ۲۱۹-۲۱۲ و کرمانی، ۱۳۷۶ و زرین‌کوب، ۱۳۶۱: ۲/۶۱۸-۶۱۷ و ۶۳۸-۶۳۴ مراجعه کنند.

۱۴- عامل آن است که در فراهم شدن علل یا از طرق دیگر در یکی از رفتارهای پدیده اعم از وقوع و تحول و غیر آن دخالت غیر مستقیم دارد و علت محسوب نمی‌شود؛ مثل رفتارهای سودجویانه انسان در ارتباط غیر مستقیم بلکه منتج به وقوع یا تحول پدیده که فاعل قصد مستقیم حصول آن را ندارد بلکه دیگران آن را چنان تفسیر می‌کنند.

۱۵- مقصود از علت، پدیده یا حال و شرطی است که مستقیماً در یکی از رفتارهای پدیده اعم از وقوع یا تحول و غیر آن دخالت دارد.

۱۶- در اینجا مکانیسم علی عبارت از رشته‌ای از حوادث است که خود محکوم نظمی قانون‌وار است و از علت شروع می‌شود و به معلول خاتمه می‌یابد. نظم قانون‌وار «نظمی است حاکم بر حوادث که منبعث از خواص و قوای یک دسته اشیای مختلف است و رفتار و تعامل آن‌ها را می‌تواند توضیح دهد» (لیتل، ۱۳۷۳: ۲۶).

۱۷- نمونه‌های فراوانی از این گونه، در دیگر آثار او می‌توان دید. مثلاً از این که اشتراسر، طیب اتریشی، در سال ۱۳۴۴ به ایران آمده است تا اواخر عمر خود را در این کشور بماند، آل‌احمد، بدون توجه به دلایل صریح او، قصد اثبات این عقیده خود را دارد که غریبان از زندگی ماشین‌زده غربی به انزوای آسایش‌بخش شرقی پناه می‌برند (آل‌احمد، ۱۳۵۷ ک: ۴۷).

۱۸- «تبیین استقرایی یک حادثه آن است که آن را تحت نظمی تجربی [و به عبارت دیگر آماری] که قبلاً به تأیید رسیده است، در آوریم» (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۱).

۱۹- در مورد ایران می‌توان گفت پیش از آمدن ماشین، ایرانی هرگاه به دانشی پیش‌رفته در غرب وقوف می‌یافت به نحوی از آن استفاده می‌کرد؛ مانند آوردن تشریفات نظامی در زمان عباس میرزا و مدرسه و دانش طب و سینما در دوران ناصرالدین شاه (نجمی و درویشان، ۱۳۸۸: ۳۷). در مورد سایر کشورها به یک نمونه بسنده می‌کنیم. پل هریسون (Paul Harrison)، روزنامه‌نگار سیاح انگلیسی، در مورد حیرت شرقیان در مقابل غریبان می‌گوید: «در سنگاپور... شاهد گروهی هنرپیشه سیار بودم که... صحنه تئاتر ساخته بودند... پسر مدیر نمایش که مرد جوانی بود با پیراهن ایتالیایی آخرین مد و عینک قاب طلایی... از او سؤال کردم که چرا فقط پیرمردان و پیرزنان و کودکان تماشاچی این نمایش هستند؟... گفت: «جوانان این قبیل نمایش‌ها را دوست ندارند. این‌ها خیلی قدیمی شده‌اند. ما می‌خواهیم نمایشی از نوع نمایش‌های غربی تماشا کنیم» (هریسون، ۱۳۶۴: ۴۵-۴۴).

۲۰- شولتز در مورد رابطه علی میان فقر و تزلزل فرهنگی در آمریکای لاتین می‌گوید فقر بی‌ثباتی نمی‌آورد مگر این که ابتدا تحولی ساختاری روی دهد. در این صورت به شرط افزوده شدن دو عامل تحرک سیاسی و نارضایتی نخبگان، بی‌ثباتی فرا می‌رسد» (لیتل، ۱۳۷۳: ۵۶).

کتابنامه

- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۳). *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران.
- آل‌احمد، جلال. (۱۳۵۷ش). *ارزیابی شتابزده*. تهران: امیرکبیر.
- _____ . (۱۳۷۳). *اورازان*. تهران: فردوس.
- _____ . (۱۳۵۷). *در خدمت و خیانت روشنفکران*. جلد اول. تهران: خوارزمی.
- _____ . (۱۳۸۴). *سفر به ولایت عزرائیل*. تهران: فردوس.
- _____ . (۱۳۵۶). *غرب‌زدگی*. تهران: رواق.
- _____ . (۱۳۵۷ک). *کارنامه سه ساله*. تهران: رواق.
- _____ . (۱۳۵۷ن). *نفرین زمین*. تهران: رواق.
- _____ . (۱۳۵۶ج). *یک چاه و دوچاله*. تهران: رواق.
- خویی، اسماعیل. (۱۳۵۷). *آزادی، حق و عدالت، (مناظره اسماعیل خویی با احسان نراقی)*. تهران: کتاب‌های جیبی.
- دانایی فرد. (۱۳۸۸). «نظریه پردازی در علوم انسانی» (گفت و گو با دانایی فرد). *هم‌اندیشی*. شماره هفتم. پاییز. صص ۸-۱۳.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۱). *نقد ادبی*. دو جلد. تهران: امیرکبیر.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام. (۱۳۷۶). *تاریخ بیداری ایرانیان*. به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: پیکان.
- لیتل، دانیل. (۱۳۷۳). *تبیین در علوم اجتماعی درآمدی به فلسفه علم‌الاجتماع*. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- نجمی، شمس‌الدین؛ درویشان، عاطفه. (۱۳۸۸). «دکتر میرزا علی‌اکبر خان کرمانی». *پژوهشگران فرهنگ*. سال ۷ ش. ۲۳، بهار. (صص ۳۱-۶۲).

و ثوقی، منصور. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: کیهان. چاپ یازدهم.

هریسون، پل. (۱۳۶۴). *درون جهان سوم*. تهران: فاطمی.

Benda, Julien. (1969). *The Treason of the Intellectuals*. trans. Richard Aldington. London: W.W. North.

Said, Edward Wadie. (1994). *Representations of the Intellectual: The 1993 Reith lectures*. London: Pantheon Books.